



سیا همه چیز در عراق پیدا کرد به جز سلاح‌های کشتار جمعی

دیوید کی جستجوی همه جانبه‌ای را در عراق آغاز کرد اما تنها چیزی که دیوید کی کشف نکرد، ذخایر سلاح‌های کشتار جمعی بود که همه انتظار داشتند، کشف شود.

سیا فردی به نام "دیوید کی" را که بازرس ارشد تسلیحاتی سازمان ملل در عراق در سال 1991 بود، استخدام کرد تا هدایت تیم جدید بازرسان را برعهده گیرد. دیوید کی جستجوی همه جانبه‌ای را در عراق آغاز کرد اما تنها چیزی که دیوید کی کشف نکرد، ذخایر سلاح‌های کشتار جمعی بود که همه انتظار داشتند، کشف شود.

به گزارش فارس، "جورج واکر بوش"، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا از جمله شخصیت‌هایی است که در زمان او و بعضاً به واسطه خودش اتفاقات بسیار مهمی در عرصه جهان به وقوع پیوست. شاید حوادث 11 سپتامبر مهمترین این اتفاقات باشد که خود بعداً منشأ تحولات بسیار مهمی در عرصه بین‌المللی از جمله دو جنگ در منطقه خاورمیانه شد. این تحولات و شخصیت خود بوش که عده بسیار زیادی او را مستحق ریاست جمهوری آمریکا نمی‌دانستند و به‌علاوه نفرت زیادی که در افکار عمومی جهان در زمان وی از آمریکا به‌وجود آمد، سبب شد تا خبرگزاری فارس دست به ترجمه و انتشار خاطرات او بزند. به‌رحال این کتاب، بیان مسائل از نگاه بوش است و طبعاً تمام آن مورد قبول نخواهد بود ولی شخصیت بوش و خاطرات وی می‌تواند از جمله اسنادی باشد که به محققان و مخاطبان علاقه‌مند به این حوزه کمک فراوانی کند. قسمت هشتم و نهم از متن کامل خاطرات جورج واکر بوش به خوانندگان محترم تقدیم می‌شود.

* سال‌های بعد یاد گرفتم چطور با مخاطبان مختلف در جنگ عراق ارتباط برقرار کنم

دسته دوم مخاطبان، نیروهای ما بودند. آنها داوطلب شده بودند تا به کشور خدمت کنند و در مکانی بسیار دورتر از کشور خود جان خود را در معرض خطر قرار داده بودند. آنها و خانواده‌هایشان می‌بایست می‌دانستند که ما به این نیروها ایمان داریم و با قوت از ماموریت آنها دفاع خواهیم کرد و تصمیمات نظامی را بر پایه سیاست اتخاذ خواهیم کرد. دسته سوم از مخاطبان من، مردم عراق بودند. برخی از آنها می‌خواستند که ما از آن کشور بیرون برویم. اما من عقیده داشتم اکثریت عراقی‌ها می‌خواستند ما به اندازه کافی در این کشور بمانیم تا به ایجاد و ظهور جامعه دموکراتیک در این کشور کمک کنیم. به همین دلیل مهم بود که اراده و عزم خودمان را برای تمام کردن کاری که شروع کرده بودیم، اعلام کنیم. اگر عراقی‌ها شک می‌کردند که ما آنها را تنها خواهیم گذاشت، به سراغ حمایت‌های دیگری می‌رفتند. دسته آخر مخاطبان سخنان من درباره عراق، دشمنان بودند. آنها اعتقاد داشتند اقدامات وحشیگرانه می‌تواند بر تصمیمات ما اثر بگذارد، من می‌بایست برایشان روشن می‌کردم که هرگز این کار را نخواهم کرد. منظورم از عبارت "دستگیرشان کنید" این بود که نشان دهم به نیروهای خود اعتماد دارم و این که این پیام را به دشمن ارسال کنم که هیچ تزلزلی در اراده ما پدید نخواهد آمد. اما آتش انتقادات نشان داد که ما در مخاطبان دیگر خود برداشت اشتباه ایجاد کرده‌ایم. در سال‌ها بعد من از این تجربیات درس گرفتم و توجه بیشتری به این امر کردم که چطور می‌بایست با هر یک از مخاطبان ارتباط برقرار کنم.

* ذخایر تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی در عراق کشف نکردیم

تا پاییز سال 2003، ائتلاف بین‌المللی در عراق شامل نیروهای زمینی 30 کشور بود. دو لشکر چندملیتی تحت فرماندهی انگلیس و لهستان و حمایت‌های لجستیکی از جانب کشورهای مختلف ارایه می‌شد. قوای ائتلاف توانسته بودند اتاق‌های شکنجه، اتاق‌های تجاوز و بسیاری از گورهای جمعی را پیدا کنند که در آن هزاران جسد دفن شده بودند. آنها تأسیساتی کشف کردند که در آن لباس‌های پیشرفته ضدشیمیایی و میکروبی، سرنگ، پادزهر عامل شیمیایی اعصاب قرار داشت. اما ما ذخایر تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی را که بسیاری از نهادهای اطلاعاتی جهان اعتقاد داشتند صدام از آنها برخوردار است، پیدا نکردیم. وقتی صدام از سلاح‌های کشتار جمعی علیه قوای ما استفاده نکرد، خیالم راحت شد. اما وقتی تا پاییز سال 2003 نتوانستیم این تسلیحات را در عراق کشف کنیم، تعجب کردم. وقتی که تمام تابستان آن سال نتوانستیم چیزی پیدا کنیم. دیگر زنگ خطر به صدا درآمد. رسانه‌ها مرتبط این سوال را مطرح می‌کردند که "سلاح‌های کشتار جمعی کجایند؟".

* یک مقام اماراتی نقشه تونل‌هایی را به ما داد که می‌گفت صدام در آنها تسلیحات پنهان کرده

من نیز همین سوال را داشتم. تیم‌های نظامی و اطلاعاتی به من اطمینان داده بودند که بطور مرتب مشغول جستجو هستند. آنها همه اماکن سری که صدام در طول جنگ خلیج [فارس] به کار بسته بود را نیز جستجو کردند. آنها اطلاعات را جمع‌آوری کرده و

خبرهایی را که دریافت می‌کردند، بررسی می‌کردند. در یکی از این موارد، سازمان سیا مطلع شد که شبکه‌های بزرگی زیر یکی از پل‌های رودخانه فرات کشف شده، نیروی دریایی غواصان خود را به محل اعزام کرد. آنها هیچ چیز نیافتند. همچنین یکی از مقامات ارشد اماراتی نقشه تونل‌هایی را در اختیارمان قرار داد که اعتقاد داشت، صدام از آنها برای پنهان کردن تسلیحات استفاده می‌کرد. زمین را کندیم اما هیچ چیز کشف نشد.

* تیم بازرسی سیا همه چیز در عراق پیدا کرد به جز سلاح‌های کشتار جمعی

جورج تنت [رئیس وقت سازمان سیا] فردی به نام "دیوید کی" را که بازرس ارشد تسلیحاتی سازمان ملل در عراق در سال 1991 بود، استخدام کرد تا هدایت تیم جدید بازرسان را برعهده گیرد. دیوید کی جستجوی همه جانبه‌ای را در عراق آغاز کرد و مدارک و شواهد غیرقابل انکاری دال بر این امر یافت که صدام به دنیا دروغ گفته و قطعنامه 1441 را زیر پا گذاشته است. او در اکتبر سال 2003 به کنگره گفت: "برنامه‌های تسلیحات کشتار جمعی عراق به مدت دو دهه در جریان بوده و هزاران نفر و میلیاردها دلار را شامل می‌شده است و مشخصاً این کارها تحت پوشش مسایل اطلاعاتی و امنیتی انجام شده که دامنه آن به بعد از عملیات آزادسازی عراق نیز می‌رسد."

تنها چیزی که دیوید کی کشف نکرد، ذخایر سلاح‌های کشتار جمعی بود که همه انتظار داشتند، کشف شود.

* "بوش دروغ گفت. مردم کشته شدند" به شعار مخالفان بدل شد

مخالفان دولت، شعار تازه‌ای درست کردند: "بوش دروغ گفت، مردم کشته شدند". این اتهامی غیرمنطقی بود. اگر می‌خواستیم که کشور را به سمت جنگ فریب دهیم، چرا می‌بایست ادعایی را مطرح می‌کردیم که غلط بودن آن بلافاصله بعد از حمله به آن کشور معلوم می‌شد؟ این اتهامات همچنین غیرمنصفانه بودند چرا که اعضای دولت قبلی مانند "جان کری"، "جان ادواردز" و شمار زیادی از اعضای کنگره نیز به همان اطلاعاتی دسترسی داشتند که من داشتم و به این نتیجه رسیده بودند که عراق دارای سلاح‌های کشتار جمعی است. این نتیجه‌ای بود که نهادهای اطلاعاتی سراسر دنیا نیز گرفته بودند. هیچ کس دروغ نگفته بود بلکه همه ما در اشتباه بودیم.